

بازنشستگان امسال دریافتی‌شان از بازنشستگان پارسل کمتر است

در حالی که تورم پیسدام می‌کند در اقدامی عجیب و غیرعادلانه کسانی که امسال بازنشسته شده‌اند نسبت به بازنشستگان سال گذشته دریافتی کمتری دارند من در مهرماه امسال با ۲۰ سال سابقه بیمه با حداقل حقوق بازنشسته شدم و دریافتی‌ام ۵هلیپون است، اما همکارم که سال گذشته با ۲۰سال کار و با رسیدن به ۶۰سالگی بازنشسته است دریافتی‌اش ۷میلیون و ۲۰۰هزار تومان است چون مشمول همسان سازی حقوق شده است. کجای این روال عدالت دارد؟

شهسازی از نهبود
واردات خودرو آزاد و تعرفه گمرکی آن به حداقل برسد یکی از عوامل اصلی ایجاد آلودگی هوا کیفیت پایین خودروهای داخلی است. ظاهرا کارخانجات تولیدکننده این خودروها قصد واردادهی هم برای بالا بردن کیفیت و رفیع نواقص آنها ندارند. در این شرایط به‌نظم می‌رسد، بهتر است دولت با آزاد کردن واردات خودرو و به حداقل رساندن تعرفه گمرکی، اسماکن جایگزینی و خرید خودروهای با کیفیت‌تر را برای مردم فراهم کند. شاید از این طریق آقایان از ترس متضرر شدن کمی به‌خود بیایند و خودروهای بی‌کیفیت را با این ارقام نجومی و غیرمنطقی روانه بازار نکنند.
سیاده‌تی از تهران

فروش اجباری نان کنج‌دی نانوایی سنگگی در شهر آرا یک نانوایی سنگگی در شهر آرا اقدام به فروش اجباری نان کنج‌دی می‌کند در حالی که فردی مانند من که یک کارگر ۷۰ساله است توان خرید نان کنج‌دی به قیمت ارانه شده ندارم. من همان نان ساده را چند تومانی از تران بخرم خدا را شاکرم و واقعا ظلم است که به اجبار به‌خاطر چند عدد کنجد ۲ تا ۳ برابر پول نان بدهم.

میر قاسمی از تهران

پیامک
اوسل پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۳۰۲۳۹۱۶

اختلالات اینترنتی نباید کار ادارات را مختل کند
در شرایطی که برای تأمین امنیت کشور از دست بلواگران اختلالاتی در اینترنت هستت، ادارات دولتی نباید کارشان روی زمین بماند. مگر نه اینکه ادارات دولتی به اینترنت ملی و داخلی وصل هستند. در کار اینها چرا اختلال ایجاد می‌شود؟ این کار باعث بر هم خوردن نظم کاری ادارات شده است که توقع می‌رود رفع و رجوع شود.

قوامیان از تهران
اسپری تنفسی وارداتی ناپاب شده است
فرزند مبتلا به آلرژی و آسم است و اسپری های تنفسی موجود در بازار به دلیل حساسیت بیش مناسب نیست بنابراین در طول سالیان گذشته از انواع اسپری های وارداتی که پزشکان تجویز می کردند پر ایش استفاده می کردیم که متأسفانه هیچ کدام از آنها امروز در بازار یافت نمی شوند. تکلیف امثال فرزند من که در آلودگی هوا و سرما نفس شان تنگ است چیست؟ چرا دارو ها در گیر بازی تحریم و ارز و... شده‌اند؟
سلیمانی از کرمان

برای سالمندان نیازمند مراقبت کمک هزینه در نظر بگیرند
تنها فرزند یک خانواده هستیم که پدرم چند سال پیش به رحمت خدا رفته است و مادرم به تازگی به علت کپولت سن و بیماری زمینگیر شده و قادر به انجام کار های شخصی خود ش نیست. خودم در یک شرکت از ساعت ۸صبح تا ۸ عصر مشغول به کار هستم که با احتساب زمانی رفتوآمد از خانه به محل کار و بالعکس، عملا بیشتر ساعات روز را خارج از منزل هستم و در نتیجه امکان مراقبت از مادرم را ندارم.اگر بخوام پرستاری برای نگهداری از ایشان استخدام کنم باید کل حقوق دریافتی ام را به این کار اختصاص بدهم که عملا غیر ممکن است. مطمئن هستم که افراد زیادی در جامعه مشکلی شبیه به من دارند. از مسئولان در خواست دارم تا برای امثال ما کمک هزینه ای در نظر بگیرند تا بخشی از بار مشکلات مالی مان کم شود.

عالی نسب از تهران
پیام
تلگرام:بامرد hamshahri @barmard@

راهکار حذف نام همسر اول از شناسنامه مردان هم اعلام شود

سازمان ثبت احوال کشور چند روز قبل در خبری راهکارهای قانونی حذف نام زوج از شناسنامه زوجه را اعلام کرد بدون آنکه درخصوص حذف نام همسر اول این مردان که جدا شده‌اند چیزی اعلام کند. آیا مسئولان فکر می‌کنند که مردان با این مسائل مشکلی ندارند؟

رحمان پور از قزوین
نانوایی شهرک ابریشم مدت‌هاست که تعطیل شده است شهرک ابریشم استان البرز نانوایی ای داشت که در ساعات مختلف روز به ترتیب چند نوع نان مسخن مختلف پخت می‌کرد. استقبال ساکنان شهرک هم از این نانوایی بسیار خوب بود. متأسفانه مدت‌هاست که این واحد صنعتی تعطیل شده و کار نمی‌کند.هیچ کس هم جوابگویی علت آن نیست. این شهرک ۱۵ هزار نفر جمعیت دارد و تعطیلی واحدهای خدماتی مثل این نانوایی، ساکنان آن را با مشکل مواجه می‌کند.
شه‌میرزادی از شهرک ابریشم کرج

عیدی و پاداش پایان سال کارکنان دولت مطابق با تورم پرداخت شود

چیزی به پایان سال ۱۴۰۱ باقی نمانده و طبق قانون و قاعده در پایان سال، دولت میزان مشخصی از عیدی و پاداش را برای اکارکنان در نظر گرفته و پرداخت می‌کند. با توجه به گزایی اسفناکرسنجخته و تورم بی‌سابقه‌ای که در سال جاری با آن مواجه هستیم جا دارد مسئولان مبلغ این عیدی و پاداش به هیچ‌مأموری تیراندازی نکرده. سومین متهمی که با اتهامات او رسیدگی شد سعید یعقوبی بود. او گفت: زمانی که به محل رقتم دیدم که اغتشاش شروع شده است. کمتر از ۱۰۰ نفر وسط

حوادث

مردی که برای نجات جان دختر بچه‌ای به دل آتش زده بود جان باخت
وداع تلخ با مرد فداکار
گزارش
محمد جعفری
روزنامه‌نگار
عشنامه روز تلاش کادر پزشکی برای نجات مرد فداکاری که در حادثه آتش‌سوزی برای نجات جان دختری خردسال دچار سوختگی شدیدی شده بود بی‌نتیجه ماند تا او جانش را از دست دهد. حالا هر چند خانواده این مرد بزرگ عزادار او شده‌اند اما به دلیل فداکاری‌اش به او افتخار می‌کنند.
به گزارش همشهری، صبح روز سه‌شنبه، ۱۳دی ماه امسال ساکنان شهرک شهدای میدان واقع در استان یزد با دیدن دود و شعله‌های آتش که از یکی از واحدهای مجتمع پلس زبانه می‌کشید با آتش‌نشانی تماس گرفتند. هر چند در کوتاه‌ترین زمان ممکن آتش‌نشنان خود را به محل حادثه رسانند اما شعله‌های آتش گسترش یافته و تقریبا یکی از واحدها که در طبقه سوم قرار داشت افرار گرفته و حتی به راهرو و واحد مجاور نیز سرایت کرده بود. هیچ‌کس فگرش را هم نمی‌کرد که در خانه‌ای که کانون آتش است کسی حضور داشته باشد اما شاهد نشان می‌داد که در آنجا دختری ۴ساله به تنهایی حضور دارد و پدر و مادرش سر کار هستند. با وجود این اما زمانی که آتش‌نشنان قصد داشتند برای نجات دختر بچه وارد عمل شوند، پی برند که مرد همسایه با از خودگذشتگی به دل آتش زده تا دختر کوچولو را نجات دهد اما خودش در میان شعله‌های آتش گرفتار شده است. آتش‌نشنان هم‌زمان با تلاش برای مهار آتش‌سوزی وارد میله‌ها شدند و همسایه فداکار را که دچار سوختگی شدیدی شده بود بیرون کشیدند و در یکی از اتاق‌های خانه نیز با پیکی بی جان دختر ۴ساله که بر اثر استنشاق دود و گازهای سمی دچار خفگی شده بود مواجه شدند تا این مأموریت‌شان پایان تلخی داشته باشد.

در بیمارستان

مرد فداکار که جلال خفتری نام داشت توسط امدادگران اورژانس به بیمارستانی در مید منتقل

انفجار کپسول گاز جان ۴عضو یک خانواده را گرفت

انفجار کپسول گاز در خانه‌ای روستایی یی فاجعه رقم زد و موجب جان‌باختن ۴نفر از اعضای یک خانواده شد. به‌گزارش همشهری، این حادثه ساعت ۲۳:۵۸ یکشنبه در روستای کرونی در نزدیکی شیراز اتفاق افتاد و دقایقی بعد امدادگران اورژانس و نجات‌گران آتش‌نشانی خود را به محل حادثه رساندند. محمدهادی قانع، رئیس سازمان آتش‌نشانی شیراز گفت: در این حادثه یک واحد مسکونی که در طبقه دوم قرار داشت دچار انفجار و آتش‌سوزی شده و شعله‌های آتش از در و پنجره‌ها به بیرون زبانه می‌کشید. زمان وقوع انفجار ه‌عضو خانواده در آنجا حضور داشتند که متأسفانه ۴نفر جان باختند. او درباره علت حادثه گفت: استفاده از سیلندر بیگ نیکی و کپسولی و نشت شدید گاز علت این حادثه ه‌ولناک بود و شدت انفجار به حدی بود که ساختمان دچار تخریب شد.

حکم اعدام برای عاملان جنایت اصفهان



۳نفر که در جریان ناآرامی‌های آبان ماه در اصفهان با شلیک به ۳مدافع امنیت آنها را در منطقه «خانه‌اصفهان» به شهادت رسانده بودند،باری دادگاه انقلاب به‌اعدام محکوم شدند. به گزارش همشهری، به نقل از مرکز رسانه قوه قضاییه، شامگاه ۲۵ آبان ماه در جریان تیراندازی در میدان نگهبانی محل خانه اصفهان، ۳نفر از مدافعان امنیت به نام‌های محسن چراغی، محسن حمیدی و محمد کریمی به شهادت رسیدند و شمار دیگری نیز مجروح شدند. به‌دنبال این حادثه خفر که در این جنایت دخیل بودند دستگیر شدند. آنها در بازجویی‌ها به جنایتی که مرتکب شده بودند اعتراف کردند و در نهایت پرونده اتهامی‌شان با صدور کیفرخواست به دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان فرستاده شد.

در دادگاه
در روزهای ۷، ۸ و ۱۰ دی ماه جلسه رسیدگی به اتهامات این ۳متهم در دادگاه برگزار شد. صالح میرهاشمی، متهم ردیف اول پرونده نخستین فردی بود که به اتهاماتش رسیدگی شد. بخشی از اتهامات او به گفته نماینده دادستان ارتباط با گروهک تروریستی منافقین بود و وی برای اثبات‌کس فرستاده و همچنین به همدستانش در یک اصطیل اقدام به ساخت کوکتل مولوتوف کرده‌اند. متهم ردیف دوم این پرونده مجید کاظمی نام دارد. نماینده دادستان درباره اتهامات او گفت: این فرد در اغتشاشاتی که منجر به شهادت ۳مأمور حافظ امنیت شد،با استفاده از سلاح کلاشنیکف به سمت مأموران تیراندازی کرده است. متهم اما در دادگاه مدعی شد: سلاح‌های کلاش و کلتی که از من کشف شده را سعید یعقوبی (متهم ردیف سوم) به جرم داده بود. من یک خشاب تیراندازی هوایی انجام دادم اما به هیچ مأموری تیراندازی نکردهم.

سومین متهمی که با اتهامات او رسیدگی شد سعید یعقوبی بود. او گفت: زمانی که به محل رقتم دیدم که اغتشاش شروع شده است. کمتر از ۱۰۰ نفر وسط تجدیدنظر خواهی در دیوان عالی کشور است.

شده اما شدت سوختگی او به حدی بود که نیاز به درمان‌های تخصصی داشت. در این شرایطی بود که ساعتی بعد به بیمارستان شهدای محراب یزد منتقل و در بخش مراقبت‌های ویژه بستری شد. دکتر سیدعلیرضا پورمازار، رئیس بیمارستان شهدای محراب یزد این جوان به بیمارستان امام جعفر صادق میدد، اما با توجه به‌شدت سوختگی بالای ۹۰درصدی او و سطح هوشیاری ۳ به بیمارستان سوختگی شهدای محراب یزد منتقل شد و همکارانم همه تلاش خود را برای نجات او به کار گرفتند. او ادامه می‌دهد: بررسی‌های دقیق‌تر نشان می‌داد که مرد فداکار دچار سوختگی ۹۸درصدی شده است و بلافاصله در بخش آی‌سی‌وی سوختگی بستری شد. شرایط درمان چنین مصدومانی بسیار سخت است، چرا که در معرض انواع عفونت‌ها قرار دارند. با وجود این همه تلاش‌های خود را انجام دادیم اما در نهایت او صبح دوشنبه پس از چند روز تحمل درد به‌دلیل شدت جراحات وارد جان خود را از دست داد.

خانواده‌ای که عزادار شد

جلال خفتری، برای نجات دختر ۴ساله همسایه به دل آتش زده و از جان مایه گذاشته بود. حالا با گذشت چند روز از فداکاری جلال، همه در میدد درباره او و کار بزرگش صحبت می‌کنند. روز گذشته وقتی در بیمارستان یزد خبر فوت او اعلام شد، خانواده‌اش آنچه دچار آتش‌سوزی شده و دود از پنجره‌ها به بیرون می‌زد. پسر عمویم وقتی سرو صدا را شنید بیدار شد و به راهرو آمد تا کاری کند. او می‌دانست که دختر ۴ساله همسایه در خانه تنهاست و با وجود آتش‌سوزی خانه‌شان جان او در خطر است. او ابتدا در خانه همسایه راشکست و وارد آنجا شد. آفتور که خواهرم می‌گوید موقع باز شدن در دود زیادی به راهرو آمد و این موضوع نشان می‌داد آتش‌سوزی گسترده‌ای در خانه ایجاد شده است. جلال با شجاعت زیادی وارد خانه شد تا شاید بتواند دختر بچه را نجات دهد اما خودش هم در بین دود و آتش گرفتار شد و زمانی که آتش‌نشنان به آنجا رسیدند جلال دچار سوختگی شدیدی شده و دختر بچه نیز جانش را از دست داده بود. این زن ادامه می‌دهد: با وجود سوختگی شدید جلال او به بیمارستان سوختگی یزد منتقل شد و امیدوار بودیم که نجات پیدا کند اما صبح دوشنبه وقتی خبر دادند او فوت شده دنیا روی سر مان خراب شد. او مرد با معرفت و خانواده‌دوستی بود و تلاش می‌کرد که به همه کمک کند و جانش را هم پای کمک به دیگران از دست داد و حالا جایش بیشتر از همیشه خالی است.

راز گم شدن مرد جوان پس از ۲ماه فاش شد

کاپشن بچگانه اسرار جنایت را فاش کرد



اسرار ناپدید شدن مرد جوان که آخرین بار برای خرید کاپشن از خانه خارج شده بود، با گذشت ۲ماه با دستگیری همسرش و یک آشنا فاش شد. مرد آشنا اعتراف کرد که با کشتنن مرد گمشده به انباری مخفی در یک ساختمان قدیمی، وی را به ضرب گلوله کشته و جسدش را در گودالی دفن کرده است.

به گزارش همشهری، تحقیقات در این پرونده از حدود ۲ماه قبل شروع شد. آن روز مردی به اداره پلیس رفت و خبر از ناپدید شدن برادرش داد.

وی در توضیح ماجرا گفت: برادر ۳۷ساله‌م متاهل است و یک فرزند پسر دارد و آخرین بار برای خرید کاپشن برای پسرش از خانه خارج شد و دیگر برنگشت. آفتور که همسرش می‌گوید آن روز برادرم در یک فروشگاه رفته و حتی عکسی از یک کاپشن بچگانه که خریده بود برای همسرش بر ستاده ولی دیگر به خانه برنگشته است. این در حالی بود که به همسرش گفته بود تا فرد دقیقه دیگری به خانه بر می‌گردد. ما در این مدت همه‌جا را به‌دنبال برادرم گشتیم اما وقتی اثری از او پیدا کردیم، تصمیم گرفتیم از پلیس کمک بگیریم.

۲۴ساعت بعد

پرونده‌ای درباره ناپدید شدن مرد جوان تشکیل شد و گروهی از مأموران اداره چهارم پلیس آگاهی تهران، جست‌وجو برای یافتن ردی از او شروع کردند. در حالی که تحقیقات پلیس آغاز شده بود، ۳۴ساعت بعد، برادر او مجدداً راهی اداره آگاهی شد و اطلاعات تازه‌ای در اختیار تیم تحقیق قرار داد. وی گفت: برادرم ساعتی قبل از خرید کاپشن برای فرستاده که نوشته که در جریان ناآرامی‌ها توسط پلیس دستگیر شده و گفته که نگرانش نباشیم. تیم تحقیق به دستور قاضی محمدتقی شعبانی بازپرس دادرسی جنایتی تهران به بررسی‌های ویژه پرداخت اما مشخص شد که فردی با مشخصات مرد گمشده توسط نیروهای انتظامی بازداشت نشده است. حتی در استعمال‌ا از مراکز درمانی و پزشکی قانونی نیز هیچ ردی از این مرد به‌دست نیامد. در ادامه تحقیقات مأموران متوجه شدند که مرد گمشده از مدت‌ها قبل با همسرش دچار اختلافاتی شده و مدام با یکدیگر درگیری داشتند. این مسئله می‌توانست به ناپدید شدن مرد جوان ربط داشته باشد و این فرضیه که همسر وی به پلیس دروغ گفته است، منظر قرار گرفت. در این شرایط بازپرس جنایتی دستور بازرسی خانه فرد گمشده را صادر کرد.

کاپشن نو

مأموران پلیس به خانه مرد گمشده رفتند و در جریان بازرسی آنجا، کاپشن بچگانه‌ای را دیدند که بهانه شراکت و معامله کاری به آنجا کشاندم. از طرفی یک کارگر استخدام کرده و از او خواستیم تا به عمق دو متر و نیمه، زیر زمین خانه قدیمی را حفر کند. آن روز مقول را داخل گودالی که حفر شده بود انداختیم و با شلیک ۳گلوله به زندگی‌اش پایان دادم. سپس روی جسد خاک ریختم و گودال را پر کردم تا اسرار این جنایت برای همیشه سربه مهر باقی بماند. صبح دیم‌روز و پس از اقرار متهم، بازپرس جنایتی به همراه تیمی از مأموران پلیس آگاهی تهران راهی محل حادثه شدند و جسد مقول را از زمین بیرون کشیدند. به این ترتیب بررسی متهمان این پرونده قرار فریخته و صادر شد و تحقیقات در این پرونده ادامه دار.

همشهری

کوتاه از حادثه

گل ممد، چوپان دروغگو دستگیر شد

«سلام ارباب. گل ممد افغان هستم، پسر عموی عدلا که کت شو‌ما کار مکرد. حقیقت یک مقدار سکه تلا پیدا کردم، یک پادشاروشون هست و چن تا مجسمه تاجدار است...» این متن پیامک چوپان دروغگو است که با ادعای پیدا کردن گنج و مجسمه‌های زیر خاکی دست به کلاهبرداری از طعمه‌هایش می‌زد. این

تهپکار خشن برخلاف پیامکی که برای طعمه‌هایش می‌فرستاد، نه افغانستانی است و نه کم سواد. او تپهکاری سابقه‌دار است که گاهی با تهدید اسلحه پول‌های طعمه‌هایش را سرقتم می‌کرد.

به گزارش همشهری، شاید کمتر کسی باشد که از ماجرای پیامک «گل ممد افغان» بی‌خبر باشد. پیامکی که کلاهبرداران برای ده‌ها شماره موبایل تصادفی ارسال می‌کنند، به این امید است که شاید یکی از آنها فریب بخورد و به دامشان بیفتند؛ انتظاری که البته خیلی دور از ذهن نیست و تا حالا افراد زیادی با دریافت این پیامک و به طمع خرید مجسمه‌های طلا به قیمتی پایین و به جیب زدن سود میلیاردی با فروش آنها، در دام یکی از این کلاهبرداران گرفتار شده‌اند.

تازترین تپهکاری که با این شیگردست به کلاهبرداری از مردم می‌زد و حالا از سوی پلیس دستگیر شده، یک مجرم سابقه‌دار است که چند روز پیش توسط مأموران پلیس آگاهی شهرستان ذوقل بازداشت شد.

این مرد با شکایت چند نفر که فریب پیامک‌های او را خورده بودند، تحت تعقیب پلیس قرار گرفت. بررسی اظهارات شاکیان نشان می‌داد که همگی آنها بعد از دریافت پیامک جعلی «گل ممد» که خود را چوپان جازده و مدعی شده بود مقداری سکه و مجسمه‌های زیر خاکی پیدا کرده و قصد فروش آنها را دارد، حرف‌های این فرد را بساور کرده بودند. مرد کلاهبردار البته به خوبی نقش بازی می‌کرد و وقتی طعمه‌هایش با او تماس می‌گرفتند در درباره قیمت گنج حرف بز نشد، خود را فردی کم‌سواد جلوه می‌داد که به علت اینکه هیچ آشنایی ندارد، قصد دارد گنجی را که پیدا کرده، با قیمتی پایین بفروشد. او برای اثبات ادعایش، با طعمه‌هایش قرار می‌گذاشت و یک سکه طلا قدیمی به‌عنوان نمونه به آنها می‌داد. طعمه‌ها هم سکه را به طلا فروشی برده و وقتی از اصل بودن آن مطمئن می‌شدند، مبلغ درخواستی چوپان دروغگو را تهیه کرده و برای خرید بقیه سکه‌ها را با قرار می‌گذاشتند. گل ممد با چرب‌زبانی و بهانه‌های مختلف فرار را در جایی خلوت تعیین می‌کرد و طعمه‌ها وقتی با کیف پر از پول به آنجا می‌رفتند، وی با تهدید اسلحه کیفیت پول را از آنها گرفته و فرار می‌کرد. گاهی وقت‌ها نیز پس از دریافت پول، سکه‌های جعلی به طعمه‌هایش می‌داد که هیچ ارزشی نداشتند.

با شکایت افرادی که قربانی مرد تپهکار شده بودند، تحقیقات پلیس شهرستان ذوقول برای دستگیری این مرد آغاز شد. سرهنگ روح‌الله گرداوی، فرمانده انتظامی شهرستان ذوقول گفت: تحقیق این پرونده از شهرهای مختلف کشور بودند که پس از تکلیف از آنها و به‌دست آمدن سرنسخه‌هایی از چوپان دروغگو، مخفیگاه وی در ذوقول شناسایی و او در یک عملیات ضربتی دستگیر شد.

وی ادامه داد: در بازرسی مخفیگاه این مرد یک قبضه سلاح کلت کمری به همراه هزار و ۸۰۰ سکه تقلبی، ۲ دستگاه گوشی و یک دستگاه موتورسیکلت فاقد پلاک کشف شد که وی از آنها برای اجرای نقشه‌های کلاهبرداری‌هایش استفاده می‌کرد. همچنین در بررسی‌ها معلوم شد که وی مجرمی سابقه‌دار در زمینه ارتکاب جرائم‌شخص است که با دستگیری وی، تحقیقات برای شناسایی تمامی مالباختگان ادامه دارد و کسانی که در دام این فرد گرفتار شده‌اند می‌توانند برای شناسایی او به پلیس آگاهی شهرستان ذوقل مراجعه کنند.

نقشه زن همسایه برای سرقت طلاهای بیمار کرونایی

زنی جوان برای نگهداری از همسایه‌اش که مبتلا به کرونا شده بود قدم در خانه او گذاشت اما با دیدن طلاهایش، نقشه‌ای ه‌ولناک کشید.

به گزارش همشهری، روز گذشته زنی به اداره پلیس رفت و خبر از سرقت طلاهایش توسط زن همسایه‌اش داد. او گفت: خانوادهم ساکن شهرستان هستند و من به تنهایی در یکی از محله‌های پایتخت زندگی می‌کنم. چند روز قبل به کرونا مبتلا شدم و تصمیم گرفتم در خانه‌ام استراحت کنم. در این بین زنی جوان به نام آذر که در همسایگی من زندگی می‌کرد، وقتی متوجه شد که بیمار شده‌ام، مرا رسیدگی و مراقبت از من به‌خانه‌ام آمد.

وی افزود، آذر آخرین بار پرایم آب پر تقال درست کرد که پس از نوشیدن آن دچار سرگیجه‌ای شدید شدم و از هوش رفتم. وقتی چشمانم را باز کردم در بیمارستان بودم و آنجا بود که فهمیدم ۱۵ روز در کما بوده و در یک قدمی مرگ پیش رفتم. آنطور که متوجه شدم همسایه‌ها که از غیبت من نگران شده بودند وقتی دیدند در خانه‌ام نیمه باز است به کمک آمدند و مرا به بیمارستان انتقال دادند اما خبری از آذر، زن همسایه نبود. وقتی از بیمارستان مراجع شد، همسایه‌ها آذر را در آمبوه‌ها و نزدیکی بیهوش کرده و آلتنگوی طلایی که در دستم بوده را از من سرقتم کرده است.

با شکایت زن جوان، تیمی از مأموران به دستور بازپرس دادرسی ویژه سرقتم راهی خانه آذر شدند اما در تحقیقات مشخص شد که زن سارق آنجا را به‌مدت یک‌ماه اجاره کرده و بعد از اجرای سرقت نیز قرار داد را فسخ کرده و از آن خانه اسباب‌کشی کرده است. با فرار همسایه سارق، این فرضیه برای تیم تحقیق مطرح شد که زن جوان با لشگرد اجاره موقتی خانه‌ها و نزدیک شدن به زنان همسایه به شیوه بی‌هوشی دست به سرقت از آنها می‌زد و احتمالاً سرقتم‌های مشابهی با این شیگرد انجام داده است. هم‌اکنون تحقیقات برای شناسایی متهم فراری و سرقتم‌های احتمالی دیگر ش توسط کارآگاهان پلیس آگاهی تهران ادامه دار.